مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره ۱، فروردین ۱۳۹۱، صفحات ۸۴- ۶۹

الگوی قرض‌دهی در اندیشه اسلامی و مقایسه آن با الگوهای رقیب اقتصاد متعارف

رحیم دلالی‌اصفهانی[۱]
محمدمهدی مجاهدی‌مؤخر[۲]

آنچه اندیشه اقتصادی اسلام را از سایر اندیشه‌ها و نحله‌های اقتصادی متمایز می‌سازد ، ارائه دیدگاه‌های اقتصادی با استفاده از منبع لایزال وحی و آموزه‌های دینی است. تجربه تاریخ اقتصادی در بحران‌های اقتصادی با منشاء قرض‌دهی ربوی و اعتبار، صحت الگوی قرض‌دهی اقتصاد اسلامی به‌ویژه در مسأله تحریم ربا و قرض بیش از پیش آشکار می‌شود. این مقاله به برخی اشکالات نظام اقتصاد متعارف غرب در مورد قرض‌دهی می‌پردازد و در این زمینه نگاه اندیشمندان منتقد آن را ارائه کرده است. این مقاله ضمن ارائه خصوصیات اقتصادی سازوکار قرض‌دهی در اسلام، ویژگی بارز این اندیشه را در مقایسه با اندیشه‌های رقیب مطرح می‌کند.

واژه‌های کلیدی: پول، ماهیت پول، اعتبار، بانک.

۱. مقدمه

هر مکتب اقتصادی مطابق با اندیشه و مبانی فکری خود تفسیری از پدیده‌های اقتصادی ارائه می‌کند. در این رابطه ابزارها و شیوه‌های نیل به اهداف اقتصادی هر مکتب نیز براساس نوع روش‌شناسی آن ترسیم می‌شود.

مکتب اقتصادی اسلام به عنوان ارائه‌دهنده یک الگوی فکری درمیان اندیشه‌های اقتصادی رقیب دارای جایگاه علمی و چارچوب نظری منحصر به فردی است که آن را از سایر مکاتب اقتصادی متمایز می‌سازد. به ویژه آنکه این مکتب با سایر نحله‌های فکری علم اقتصاد دربسیاری از حوزه‌ها به ویژه در حوزه اقتصاد پولی دارای اختلاف دیدگاه‌های اساسی است.

اینکه مشرب‌های فکری در حوزه اقتصاد دارای اختلاف باشند امر دور از ذهنی نیست، اما عامل مهمی که اندیشه اقتصادی اسلام را از سایر نحله‌های اقتصادی متمایز می‌سازد آن است که در کنار

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.
۲. دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان. m_mojahdi2004@yahoo.com

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

تحریم، منع و حذف برخی ابزارهای مرسوم اقتصاد متعارف غرب راهکارهای بدیل و جانشینی را ارائه می‌کند که به زعم اندیشه‌های رقیب از قدرت استدلال و بنیان علمی محکمی برخوردار است. به نحوی که حتی در چارچوب تفکری اقتصاد متعارف غرب نیز می‌توان برخی نتایج متقن آن را ارائه نمود.

این نوشتار در ابتدا به بیان اشکالات مرتب بر مکانیزم قرض‌دهی با استفاده از شیوه تحلیلی اقتصاد متعارف با استفاده از منطق استدلالی و ریاضی می‌پردازد. در ادامه راهکارهای جایگزین برای حل معضلات نظام قرض‌دهی ربوی به ویژه در بستر اعتبار که توسط اندیشمندان منتقد غرب ارائه شده است اشاره می‌شود. در انتها اندیشه اسلامی در خصوص قرض و اعتبار و ویژگی‌های اقتصادی قرض‌الحسنه در اندیشه اسلامی در دو رهیافت قرض‌الحسنه فردی و بانک اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید محمد باقر صدر ارائه می‌گردد.

۲. سازوکار قرض‌دهی در اقتصاد متعارف و اشکالات آن

زندگی اجتماعی انسان با انجام مبادله اقتصادی شکل جدیدی به خود می‌گیرد. تلاش جهت رفع نیازهای اقتصادی از طریق مبادله مازاد کالایی و مازاد پولی یک خصوصیت مهم اجتماعی است. از سوی دیگر، در فرایند تکمیلی زندگی اجتماعی تخصیص بهینه کالایی شیوه دیگری از انتخاب اجتماعی را ارائه می‌کند.

در این راستا ربای قرضی در کنار مبادله کالایی از طریق تجارت برای رفع نیاز اجتماعی در جوامع شکل گرفت و اخذ مازاد از قرض در توجیه تشابه با تجارت کالایی و دریافت سود مورد توجه واقع شد.

هرچند ربای قرضی و معاملی درتمام ادیان الهی تحریم شد و مورد نکوهش قرار گرفت و طبقه رباخواران به عنوان گروهی منفور در میان جوامع قدیم قرار می‌گرفتند. لیکن در چند سده اخیر به عنوان یک اصل اساسی در کارکرد نظام اقتصادی غرب نظام مبتنی بر بهره پولی اهمیت ویژه‌ای در تعادل عمومی اقتصاد کلاسیک و نحله‌های فکری پس از آن پیدا کرده است، به گونه‌ای که امروزه کارکرد اقتصاد متعارف بدون وجود نرخ بهره امری غیرمعمول تلقی می‌شود.

تداوم کارکرد سازوکار قرض‌دهی کالایی به سمت قرض پول و اعتبار شیوه‌های قرض‌دهی را تغییر داد و ساختار جدیدی را بر پایه ستون‌های لرزان بحران‌های اعتباری استوار نمود که آثار آن اگر در گذشته توسط اقتصاددانان منتقد غربی پیش‌بینی می‌شد امروزه اقتصاد جهان مشحون از شواهدی جدید از چنین بحران‌هایی متأثر از کارکرد نظام مالی اقتصاد غرب است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

۲-۱. قرض‌دهی پول اعتباری و نتایج آن

تحول نظام پولی از پول کالایی به پول اعتباری به معنای خلق پول با هزینه صفر و تهییج، تحریص مؤسسات قرض‌دهی برای کسب سود بیشتر از اعطاء وام به صورت پول اعتباری است.

مسیر دوسویه اعطاء وام به شکل اعتبار و اخذ اقساط وام (اصل و فرع) به صورت پول رایج (رسمی) به گسترش سازوکار خلق و محو پول می‌انجامد که حاصل آن عدم تعادل پولی و بروز نوسان‌ها و بحران‌های اعتبار است.

این عدم تعادل پولی مطمئناً عدم تعادل‌های دیگر را در اقتصاد در فضای تعادل والراسی در پی دارد. به ویژه آنکه مؤسسات اعتباری و بانک‌ها در این سازوکار به عنوان واسطه میان دارندگان وجوه و قرض‌گیرندگان وجوه در آن واحد هم به سپرده‌گذاران متعهدند تا وجوه تودیع‌شده آنان را باز گردانند و هم به عنوان مؤسسات اعتباری ملزم‌اند تا به اعطاء وام اقدام نمایند. این شیوه قرض‌دهی از سپرده‌گذار به مؤسسه اعتباری و از مؤسسه اعتباری به وام‌گیرنده به دو دلیل اقتصاد را با فروپاشی مواجه می‌سازد. نخست اینکه تفاوت سررسید در تعهد به سپرده‌گذار و اخذ وام همواره چالشی جدی برای مؤسسات اعتباری است، به گونه‌ای که آنان می‌بایست با افزایش سود، سپرده‌گذاران را برای ماندگاری بیشتر وجوه تشویق کنند و یا باید سپرده‌گذاران جدیدی را جایگزین نمایند. در هر دو حالت نرخ بهره تثبیت و در صورت لزوم افزایش می‌یابد که نتیجه آن رکود مداوم پولی است.

دوم اینکه خلق پول اعتباری از هیچ به عنوان راه فرار از بحران سررسیدی یک امکان ویژه را برای مؤسسات اعتباری فراهم می‌سازد که بدون دغدغه اعتبار خلق کنند و به کسب سود بپردازند. تداوم چنین سازوکاری نیز بحران اعتباری است، به گونه‌ای که خلق و محو پول در بستر فعالیت مؤسسات اعتباری و بانک‌ها برای تداوم فعالیت قرض‌دهی و قرض‌گیری چنان در هم تنیده می‌شود که اساس قرض‌دهی را در چارچوب آن به یک موضوع لاینحل مبدل خواهد نمود.

بحث از تفاوت‌های سررسیدی در سپرده‌های دیداری و بلندمدت، وام‌های طولانی مدت با احتمال نکول، سقوط ارزش دارایی‌های مؤسسات اعتباری و بحران اعتبار موارد مهم در چنین سازوکاری است که دنیای کنونی آن را تجربه می‌کند. هرچند این مؤسسات معتقدند آنان بر پایه قانون اعداد بزرگ عمل می‌کنند؛ اما شواهد تجربی ناپایداری نظام بانکی را در بستر قرض‌دهی بر پایه خلق اعتبار آشکار نموده است. در این راستا عوامل دیگر تأثیرگذار بر اقتصاد از منظر قرض‌دهی از ناحیه خلق اعتبار را باید در بی‌ثباتی ذاتی در نتیجه خلق اعتبار، ایجاد ادعاهای باطل و توزیع نامناسب درآمد و عدم امکان کنترل عمومی جامعه بر نظام اعتباری به دلیل پیچیدگی زیاد جستجو نمود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

۲-۲. تقاضای مداوم پول همراه با تثبیت نرخ‌های بهره پولی

در بستر سازوکار قرض‌دهی در اقتصاد متعارف غرب بیش از آنچه انواع پول و اسکناس منتشر می‌شود میزان بیشتری پول تقاضا می‌شود. در حقیقت عرضه پول در این بستر تقاضای پول را تأمین نمی‌کند بلکه به مثابه یک محرک غیرطبیعی آن دیگری را ایجاد می‌کند.

این مسئله به دو دلیل ایجاد می‌شود. نخست آنکه زمانی که پول منتشر می‌شود قیمت‌ها در پاسخ به آن افزایش پیدا می‌کند و پول بیشتری خواسته می‌شود تا برای مبادلات یکسان استفاده شود. دوم اینکه سفته‌بازی به شکلی ناگزیر از افزایش قیمت‌ها تبعیت می‌کند و به سمت یک افزایش گسترده از تجدید بدهی‌ها هدایت می‌شود. با استفاده از رابطه مقداری پول می‌توان نوشت:

$$MV = PQ \qquad (۱)$$

$$P\uparrow \text{ or } Q\uparrow \Rightarrow Y\uparrow \Rightarrow \frac{M}{Y\uparrow} \Rightarrow \left(\frac{M}{Y}\right)\downarrow \qquad (۲)$$

همچنین، سرعت گردش پول می‌تواند به نحو فزاینده‌ای افزایش و یا کاهش یابد.

چنانچه پول حقیقی در این شرایط کاهش یابد تقاضا برای پول افزایش و به تبع آن نرخ بهره افزایش خواهد یافت، لذا همواره جامعه در هر حجمی از عرضه پول مواجه با تقاضای پولی و نرخ بهره پولی بالا خواهد بود که آثار چنین پدیده ای عبارت است از:

- عدم تخصیص بهینه عوامل تولید در فرایند تولیدی
- دوری از بهینگی پرتو در حوزه مصرف‌کنندگان
- توزیع نابرابر درآمد و ثروت و در نتیجه دوری از عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی

۲-۳. اثر ربای قرضی (پول و کالا) بر تخصیص بهینه اقتصاد

اگر اقتصادی فرض کنیم که در آن کالای مصرفی (A) تولید می‌شود و برای تولید آن نیروی انسانی (X)، مواد اولیه (H) و نیز زمین (U)به عنوان عوامل تولید بکار می‌رود.

تابع تولید خواهد بود:

$$A = f(X_A, \bar{H}A, U_A) \qquad (۳)$$

به طوری که (A) معرف میزانی از کالای مصرفی است که توسط عوامل سه‌گانه (X)، (H) و (U)تولید می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

عامل مواد اولیه نیز به صورت غیرمستقیم از طریق نیروی کار تولید می‌شود، به گونه‌ای که:

$$H_A = g(X_H) \qquad (۴)$$

همچنین $(\bar{H})$ بخشی از مواد اولیه است که در فرایند تولید از بین می‌رود .

اگر قیمت کالا و قیمت عوامل تولید شامل دستمزد نیروی کار، مواد اولیه و اجاره زمین به ترتیب u, h, x, a تعریف شود شرط حداکثری سود و انتخاب بهینه عوامل تولید ایجاب می‌کند:

$$\frac{1}{a} = \frac{\frac{\partial f}{\partial X_A}}{x} = \frac{\frac{\partial f}{\partial H_A}}{\bar{h}} = \frac{\frac{\partial f}{\partial U_A}}{u} \qquad (۵)$$

$$\frac{1}{h} = \frac{\frac{dg}{dX_H}}{x} \qquad (۶)$$

چنانچه بنگاه مجبور به تهیه $(\bar{H})$ در یک دوره زمانی و بازگرداندن مابه ازای آن در دوره بعدی همراه با بهره آن باشد، می‌بایست:

$$h = (1+I)\bar{h} \qquad (۷)$$

شرط حداکثرسازی کارایی اجتماعی ایجاب می‌کند تا داشته باشیم:

$$X = X_A + X_B$$

$$A = f(X_A, g(X - X_A), U_A) \qquad (۸)$$

$$\frac{dA}{dX_A} = 0 \qquad (۹)$$

$$\frac{\partial f}{\partial X_A} - \frac{\partial f}{\partial H_A} \cdot \frac{dg}{dX_H} = 0 \qquad (۱۰)$$

$$h = \bar{h}$$

$$I = 0 \qquad (۱۱)$$

بنابراین شرط بهینگی در اقتصاد ایجاب می‌کند تا نرخ بهره صفر باشد که این امکان در چارچوب نظام ربوی حاصل نمی‌شود.

۳. برخی راهکارهای جایگزین در اقتصاد متعارف غرب برای حل مشکل قرض‌دهی در بستر اعتبار

تأثیرات نامطلوب مکانیزم ذخیره جزیی بر توزیع درآمد و تفاوت در علایق سرمایه‌گذاری و ترجیحات مصرفی و شکل‌گیری ادوار تجاری در مسیر خلق اعتبار بانکی سبب شد تا دیدگاه‌هایی در رد و یا اصلاح نظام بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزیی توسط اندیشمندان اقتصادی غرب مطرح گردد. هدف

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

الگوهای پیشنهادی برای اصلاح نظام بانکی مبتنی بر نفوذ و یا اصلاح نظام بانکداری و ایجاد شفافیت در حق دولت برای خلق پول و نقش مهم آن در تنظیم بازارهای خصوصی اعتبار است.

۳-۱. الگوی ذخیره ۱۰۰ درصدی پول[1]

جرقه اولیه ذخیره ۱۰۰ درصدی پول را می‌بایست در آثار فیشر[2] (۱۹۳۳) جستجو نمود. وی در کتاب "Boom and Depressions" و در مقاله "Debt- Deflation Theory of Great Depression" توضیحات گوناگونی از شکل‌گیری چرخه‌های تجاری بیان می‌کند. تولید مازاد، مصرف کمتر از حد و ظرفیت بیش از حد تولید ازجمله مواردی است که به شکل‌گیری چرخه‌های تجاری کمک می‌کند.

فیشر اعتقاد دارد که در تمام جهش‌های ناگهانی در شکوفایی اقتصاد و نیز کسادی‌های رخ داده در گذشته عوامل مؤثر و مسلط، بدهی اضافی و رکود بوده است. وی در این رابطه ضمن ارائه برخی شواهد به طور قطع معتقد است که "بیماری بدهی[3]" و "بیماری دلار[4]" اهمیت بیشتری از سایر دلایل ایجادکننده رونق شدید و یا کسادی دارد (فیشر، ۱۹۳۵).

حلقه اتصال این رخدادها مطابق اندیشه فیشر از مراحل ذیل تبعیت می‌کنند:

– بدهی نقدی و فروش از سر ناچاری

– کسادی و یا بحران در پول با منشاء چک و یا سپرده‌های جاری که توسط بانک تضمین می‌شود.

– کاهش در سطح قیمت

– کاهش بزرگتر و بیشتر در ارزش خالص فعالیت‌های تجاری

– کاهش در سود

– کاهش سطح تولید، تجارت و نیروی کار

– بدبینی و کاهش اعتماد

– کنز پول و کاهش آن با وجود سرعت گردش بیشتر

– ناپایداری پیچیده و حاد در نرخ بهره (کاهش در نرخ بهره اسمی و افزایش در نرخ بهره واقعی)

در ابتدا آنچه فیشر مورد توجه قرار می‌دهد رسیدن به یک حجم پولی است که بتوان افزایش در قدرت خرید، افزایش در استخدام نیروی کار و افزایش در قیمت‌ها و نرخ سود را ایجاد نمود. لیکن در بستر گسترش تئوری بدهی و رکود در الگوی فیشر، وی به ایده ذخیره ۱۰۰ درصدی پول اشاره می‌کند.

1. 100% Money
2. Fisher
3. Debt - Disease
4. Dollar - Disease

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

به اعتقاد وی الگوی پیشنهادی ذخیره ۱۰۰ درصد پول توسط نظام بانکی مطمئن‌ترین و آسانترین راه برای اصلاح اقتصادی و جلوگیری از بدهی رکودی است که می‌تواند توسط نظام بانکی بکار گرفته شود. آثار مترتب بر مکانیزم ذخیره ۱۰۰ درصدی پول را فیشر اینگونه بیان می‌دارد که:

– در پرتو این سیستم بانک‌های کمتری ورشکست می‌شوند.

– کاهش واقعی در میزان بدهی تسویه نشده دولتی ایجاد می‌شود.

– پیچیدگی کمتر و ساده‌سازی مناسبی برای سیستم پولی در این چارچوب شکل می‌گیرد.

– تفاوت حادی میان سپرده‌های دیداری (یا جاری) که توسط سرمایه‌گذاران نزد بانک تودیع شده است و بانک متعهد به نگهداری آنها است با پولی که بانک به صورت اعتبار خلق می‌کند وجود نخواهد داشت.

– سپرده‌های پس‌انداز که به مثابه سرمایه‌گذاری هستند و مزایای چک پول بانکی را ندارند از تورم‌های شدید و رکودهای اقتصادی حذف می‌شوند و این تخفیفی برای جهش‌های ناگهانی و یا کسادی‌ها محسوب می‌شوند (فیشر، ۱۹۳۴).

۳-۲. دیدگاه هنری سیمونز[1]

اندیشه فیشر از ذخیره ۱۰۰ درصدی مباحث علمی جدی را درپی داشت که در این مسیر دانشگاه شیکاگو به عنوان اصلی‌ترین محور این مباحثات در بسط دیدگاه فیشر نقش ایفا نمود. در این زمینه بیشترین سهم را در انتشار دیدگاه‌های اصلاحی فیشر و مباحثات پیرامونی آن ناشی از زحمات هنری سیمونز به عنوان یکی از اصلاح‌طلبان مکتب شیکاگو است.

سیمونز مکانیزم قرض‌دهی و ایجاد تعهدات در خلال دوره‌های رونق شدید اقتصادی را عاملی برای تلاش‌های ناامیدانه در دوره رکودی جهت تبدیل اعتبار بانکی به پول نقد می‌داند. این انباشت اعتبار در اقتصادی که اغلب پول‌های در جریان توسط بانک‌های خصوصی ایجاد می‌شود، کارکرد نظام اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. سرعت گردش سریع این پول اعتباری و قرض‌دهی گسترده در یک دوره کوتاه‌مدت به منظور تأمین مالی با تعهد بازپرداخت بلندمدت کلید ناپایداری اقتصادی است و محصول این ناپایداری کاهش اعتماد عمومی و در نتیجه تمایل به نقدینه خواهی است.

از دیدگاه سیمونز "شرط تقریباً ایده‌آل این خواهد بود که قراردادهای پولی به شکل ثابت نباشد". (فریدمن، ۱۹۶۹).

1. Simons

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

سیمونز تأکید می‌کند که نظام سرمایه‌ای که بر مبنای بانکداری ذخیره جزیی پایه‌گذاری شده است استعداد بالقوه‌ای برای ایجاد رکود دارد.

سیمونز بیان می‌کند که اگر سطح قیمت‌ها از طریق یک مکانیزم ضعیف پایدار باشد بهتر است تا هیچ‌گونه سیستمی برای پایداری وجود نداشته باشد. خواه این سیستم قابل پذیرش باشد و خواه نباشد. در ساختار بانکی موجود که مبتنی بر اصل ذخیره جزیی است نوسانات در تقاضای کل از بخش خصوصی ناشی می‌شود که به نوبه خود از بانکداری تجاری تأثیر می‌پذیرد. در این میان معضل و مشکل اقتصاد اینگونه قابل حل است که هیچ بانکی اعتبار خلق نکند و شبه پول از میان برداشته شود. در این بستر است که مقامات بانکی قادرند تا کنترل سطح قیمت‌ها را از ناحیه بانکداری محدود برقرار سازند و ثبات در ارزش پول را برقرار سازند.

۳-۳. اندیشه موریس آله

در سال ۱۹۴۸ موریس آله[1] پروپوزالی را جهت اصلاح بانکی نزدیک با دیدگاه ذخیره ۱۰۰ درصدی پول فیشر ارائه نمود. این دیدگاه در کتاب"Economic et Interest" به زبان فرانسه نگاشته شد و تا سال ۱۹۸۴ که تنها بخشی از آن به زبان انگلیسی منتشر شد کماکان در ادبیات اقتصادی مهجور ماند و چارچوب آن بدون تغییر باقی ماند.

موریس آله در کتاب خود بیان می‌کند که اعجازی که توسط اعتبار ایجاد می‌شود اساساً با شگفتی که از کار جاعلین می‌توان انتظار داشت قابل مقایسه است. تنها تفاوت در سودی است که از ناحیه قرض‌دادن اسکناس و یا اعتبار جعل شده برای کسب بازدهی یا بهره پولی ایجاد می‌شود. هر دو طیف انگیزه‌های یکسانی دارند، اما تنها سود آنها با هم متفاوت است (آله، ۱۹۸۷).

آله شش ایراد اساسی را بر بانکداری مبتنی بر ذخیره جزیی وارد می‌داند:

- خلق و محو پول از طریق بانک‌های خصوصی
- حساسیت مکانیزم اعتبار به نوسانات کوتاه‌مدت اقتصادی
- شکل‌گیری بنیان ناپایداری توسط قرض‌گرفتن در زمانی کوتاه و وام‌دهی در بلندمدت
- از بین رفتن توزیع عادلانه درآمد از ناحیه خلق ادعاهای باطل و نادرست
- عدم امکان کنترل درخصوص مکانیزم اعتبار
- عدم وجود نظارت و کنترل مؤثر بر عرضه کل پول

1. Allais

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

در این رابطه موریس آله اصول اساسی در هدایت اصلاح بانکی را در خلق پول توسط دولت و حکومت می‌داند و هیچکس حق ندارد به این امر مبادرت ورزد. دیگر اینکه هیچ پولی نباید خارج از چارچوب پایه پولی منتشر و یا خلق شود. بنابراین هیچ فردی امتیاز سودآوری از ناحیه اتصال و بهره‌مندی از خلق پول بانکی را نخواهد داشت.

در روش اصلاحی موریس آله این ضرورت که سپرده‌های بانکی باید به طور ۱۰۰ درصدی به پایه پولی تبدیل شوند و منع ایجاد وام‌دهی کمتر تأکید شده است. نظر به اینکه بانک‌ها کوتاه‌مدت قرض می‌گیرند و بلندمدت وام می‌دهند.آله الزام می‌کند تا بانک‌ها به صورت بلندمدت قرض بگیرند و کوتاه‌مدت وام دهند.

٤. اندیشه اقتصادی اسلام در خصوص ربای قرضی

در اندیشه اسلامی زیربنای اصلی سازوکار قرض‌دهی بر مبنای تحریم ربا است .شدت کم‌نظیر تحریم ربا گویای این مسئله است که ربا با روح اسلام و حیات عادلانه اجتماعی و اقتصادی در تعارض است که نه تنها کیان اقتصادی، بلکه نظام اقتصادی را نابود می‌سازد با این وصف ربا به جنگ عقل، شعور و جسم انسان می‌رود(عباس‌حاجی).

بدیهی است نکوهش رواج و گسترش هر عمل ناپسند و یا جلوگیری از شیوع هر رفتار ناپسند اقتصادی، مستلزم ارائه راه‌حلی جایگزین است. از این رو، باید پرسید بهترین بدیل برای ربا در نظام اقتصادی اسلام چیست؟

راهکار اسلام برای حذف ربا از معاملات اقتصادی در دو حوزه مشارکت در سود و زیان در چارچوب عقود و نیز قرض‌دهی از طریق سنت قرض‌الحسنه است. در حقیقت، با توجه به انگیزه‌های رفتاری عرضه‌کنندگان وجوه و سرمایه بدون هیچ محدودیت دینی برای انتخاب نوع عرضه وجوه (برعکس تحریم ربا) افراد می‌توانند کسب حلال را با انگیزه‌های اخذ عایدی و سود از طریق نظام مشارکت در سود و زیان ابراز کنند. از سوی دیگر، برای اجر معنوی می‌توانند به قرض‌دهی وجوه بدون کسب سود و تنها دریافت اصل قرض مبادرت ورزند.

ناگفته پیداست که رفتار قرض‌دهی در قالب قرض‌الحسنه با روش مشارکت در سود و زیان تفاوت ماهوی و جوهری دارد. در شیوه نخست کسب سود هدف مشارکت است که با پذیرش زیان احتمالی نیز همراه است که این فعالیت در قالب تجارت (و نه ربا) صورت می‌پذیرد.

در مقابل، در قرض الحسنه هیچ‌گونه شائبه‌ای برای برخورداری از سود نیست، زیرا سود موجب حرمت و بطلان معامله قرضی خواهدد و ماهیت قرض را کاملاً تغییر داده و به معامله ربوی تبدیل می‌کند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

در چارچوب قرض‌الحسنه این سنت با منشاء رفتارهایی که ایثار عامل اصلی تحقق آن است طبقه‌بندی می‌شود و در زمره انفاق، صدقه، وقف، هبه و عاریه قرار می‌گیرد. البته نکته ظریف در این است که قرض‌گیرنده می‌بایست اصل مال را بازگرداند تا گداپروری، دوری از روحیه عزلت، کم‌کاری و محتاج‌بودن به دیگران بر جامعه مستولی نشود.

در ادامه برخی از نتایج و آثار نظام پولی مورد پذیرش اسلام در چارچوب قرض‌الحسنه و مشارکت در سود و زیان ارائه می‌شود و وجوه افتراقی که این شیوه را از اندیشه‌های رقیب متمایز می‌کند، بیان می‌گردد.

٤-١. ویژگی‌های اقتصادی قرض‌الحسنه در اندیشه اسلامی

ابزار هر رفتار اقتصادی متأثر از انگیزه‌های درونی انسان‌ها است و جایگاه هر رفتار در مقایسه با سایر امور مشابه آشکار می‌گردد. از این رو، برای تبیین قرض‌الحسنه می‌بایست رفتارهای اقتصادی از دیدگاه عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان آن مورد توجه قرار گیرد.

اصلی‌ترین ویژگی قرض‌الحسنه در انتزاع وجه قرضی (یا مال قرضی) از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده است (البته این ویژگی در سیستم مشارکت سود و زیان نیز وجود دارد).

وجه یا کالای قرضی چون مورد نیاز عرضه‌کننده نیست (که اگر واقعاً نیازمند بود قرض داده نمی‌شد) و با طیب خاطر داده می‌شود. مطلوبیت نهایی مصرف از آنچه قرض نداده است و از کالا و پول در اختیار دارد را افزایش می‌دهد.

در مقابل، نیازمند هم به دلیل اینکه از کالا و یا وجه قرض‌گرفته شده قبل از قرض‌گرفتن چیزی نداشت (یا کم داشت)، مطلوبیت نهایی افزایشی را تجربه می‌کند. در نتیجه هم قرض‌دهنده و هم قرض‌گیرنده با مطلوبیت افزایشی مواجه می‌شوند .این مسئله زمانی بیشتر مصداق می‌یابد که به نکوهش و کراهت دریافت و تقاضای قرض از طریق قرض‌الحسنه پی ببریم. نتیجه حاصل این خواهد بود که بهینگی پرتو(مطابق تعریف آن) در بستر قرض‌الحسنه حاصل شده و یا بهبود می‌یابد.

بحث دیگر ماهیت قرض‌الحسنه و تمایز آن با شیوه قرض‌دهی ربوی است. انتزاع وجه یا کالای‌قرضی از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده به مفهوم کاهش قدرت خرید از سوی قرض‌دهنده و افزایش قدرت خرید از سوی قرض‌گیرنده است (این دقیقاً مصداق کامل لغت قرض به معنای بریدن و قطع‌کردن است). این به مفهوم عدم افزایش قیمت‌ها و کاهش‌مانده حقیقی پول و افزایش تقاضا و به تبع آن افزایش نرخ بهره پولی و یا کالایی به شیوه‌ای است که در مکانیزم اعتبار بیان شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

نکته دیگر در تأثیرات توزیعی درآمد قرض‌الحسنه نهفته است. چنانچه پول اعتباری قرض داده شود و اقساط به صورت وجوه نقد اخذ شود این مسئله توزیع درآمد و نیز تعادل عمومی اقتصاد را در چارچوب تعادل والرأسی دچار چالش می‌کند. اما، قرض‌الحسنه این امکان را چه از لحاظ بهره پولی و چه از منظر خلق و محو پول از بین می‌برد. همچنین چون بهره و مازادی پرداخت نمی‌شود توزیع درآمد از این ناحیه دچار خدشه نمی‌گردد.

شرط بازگرداندن وجوه از سوی قرض‌گیرنده و شروطی که برای اطمینان از بازپرداخت و کاهش ریسک نکول نیز در جای خود حائز اهمیت است.

ابزارهایی نظیر توثیق، کتابت، رهن، کفالت و شهادت در قرارداد قرض‌الحسنه در مرحله اعطایی قرض تضمین می‌کند تا اصل دین توسط مدیون پرداخت شود.

در مرحله بازپرداخت نیز شیوه هایی تدارک مشاهده شده است تشویق و انذار در قصد ادای دین توسط مدیون (که در غیر اینصورت مدیون سارق محسوب می‌شود)، تقدم دین بر ارث، حکم تفلیس (فروش اموال مفلس) و جواز مقاصه (برداشت طلب از اموال مقروض) در این زمینه معرفی شده‌اند.

این شیوه برخورد ضمن تفاوت قائل‌شدن قرض‌الحسنه با کمک و صدقه، مقروض را هم به لحاظ حقوقی و هم از منظر الزام شرعی مکلف به ادای دین می‌کند و راه را بر سوء استفاده احتمالی می‌بندد.

نهی تقاضای قرض‌الحسنه در شرایط غیراضطرار و موارد غیرضرور در کنار سفارش اکید به اعطاء قرض از یک سو به عرضه مورد قرض می‌انجامد و از سوی دیگر به کاهش تقاضا منجر می‌شود. این سازوکار ضمن تأمین نیازهای ضروری جامعه بستر شکل‌گیری ربای قرضی و بهره پولی را در میان‌مدت و بلندمدت از سیستم اقتصادی حذف می‌کند، چراکه این فرد نیازمند است که متقاضی قرض‌الحسنه است. بنابراین، در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد اغنیاء و افرادی که اکنون نیاز به وجه نقد و یا کالا ندارند به نیازمندان منتقل خواهد شد پس دلیلی برای شکل‌گیری و پایداری ربا و بهره وجود ندارد.

این شیوه چنانچه در مقابل مکانیزم اعطاء قرض ربوی قرار گیرد؛ مشخص خواهد کرد که وجود انگیزه‌های سفته‌بازی پول و مکانیزم‌های توزیع درآمد که همواره عرضه پول را در مؤسسات اعتباری و قرض‌دهی برای کسب سود بیشتر حبس می‌کند و تقاضای پول را به طور مداوم تهییج می‌سازد در بستر گسترش قرض‌الحسنه جایی نخواهد داشت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

٤-۲. بانک اسلامی و الگوی مشارکت در سود و زیان

در مقایسه با الگوی غربی بانکداری ربوی و در حوزه بانکداری اسلامی به عنوان یک نهاد و مؤسسه مدنی پرداخت وام (در مقابل تعاملات فردی در پرداخت قرض)، الگوی شهید محمدباقر صدر جز با سابقه‌ترین الگوهاست.

شهید محمدباقر صدر(۱۹۵۷)دیدگاه متفاوتی از بانک‌داری را مطابق با شریعت‌اسلامی طرح‌ریزی می‌کند و کارکرد یک بانک‌اسلامی را در کتاب"البنک لا ربوی فی الاسلام" ارائه می‌نماید.

ویژگی بارز این نظریه در تبیین کارکرد بانک اسلامی و بانکداری غیرربوی در فضای بانکداری ربوی (اعم از بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزیی و یا بانکداری محدود بر پایه ذخیره ۱۰۰ درصدی پول) است.

دراین رابطه وی با تفکیک کارکرد بانک اسلامی به عنوان جزیی از یک نظام اسلامی و بانک اسلامی در فضای بانکداری غیراسلامی نظریه خود را براساس واقعیات اجتماعی و اقتصادی غیراسلامی (زمان نگارش کتاب) پایه‌ریزی می‌کند.

در این راستا شهید صدر کارکرد بانکداری بدون ربا را در بستر بانکداری ربوی طرح‌ریزی می‌کند. هدف اصلی شهید صدر برنامه‌ریزی برای شکل‌دهی فعالیت یک بانک براساس آموزه‌های دینی و حرمت رباست. در این مسیر طرح‌ریزی برای تأسیس بانک‌اسلامی به مثابه کوشش در جهت اهداف اقتصاد اسلامی از قبیل برابری اجتماعی، عدالت در توزیع ثروت و... است.

وی معتقد است این اهداف در تضاد با عناصر جامعه غیراسلامی نیست و می‌توان بر این مبنا طرح بانکی را بیان کرد که حتی در متن یک نظام غیراسلامی نیز قابلیت کارکرد داشته باشد.

خط‌مشی بانک اسلامی از منظر شهید صدر بر سه پایه استوار شده است:

– کاکرد آن مخالف با احکام شریعت اسلام نباشد.

– قادر باشد در فضای واقعیت‌های اجتماعی اقتصاد سرمایه‌داری با موفقیت انجام وظیفه نماید.

– به عنوان یک مؤسسه تجاری که در پی نفع خود است فعالیت کند (صدر، ۱۳۶۳).

دورنمای فعالیت بانک اسلامی کوشش در جهت نشان دادن عامل انسانی به عنوان محور درآمد (به جای نقش محوری پول و اعتبار) در فعالیت بانکی است. در این رابطه بانک اسلامی سعی دارد تا فعالیت خود را برمبنای درآمد ناشی از کار و خدماتی که ارائه می‌نماید، استوار نماید

منابع بانکی در الگوی شهید صدر از سرمایه اولیه بانک و منابع سپرده‌ای که توسط پس‌اندازکنندگان به عنوان سپرده‌گذاران بانکی تودیع می‌شود، تأمین می‌گردد. در این بستر لزومی به شکل‌گیری بهره پولی نیست

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

و بانک می‌تواند بدون تفکیک فعالیت قرض‌دهی و سپرده‌پذیری (چنانچه در الگوی اصلاحی بانکداری مطرح می‌شود) فعالیت بانکداری خود را انجام دهد.

در بانکداری غیراسلامی به معنای اعم آن شامل بانکداری ذخیره جزیی و با الگوی اصلاحی بانکداری رابطه میان بانک و سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان به ترتیب رابطه‌ای بستانکار و بدهکار است. عدم ارتباط میان پس‌اندازکنندگان با وام‌گیرندگان نقطه اولیه انحراف از مسیر تعادلی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است.

به بیان دیگر، پذیرش منطق تفکیک پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران در بستر فعالیت بانکی که به خلق پول بانکی نیز منجر می‌شود، تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را زیر سؤال می‌برد. همین مسئله آغاز شکل‌گیری نوسانات تجاری و جدایی ترجیحات مصرف‌کنندگان (به عنوان گروه پس‌اندازکنندگان) از علایق سرمایه‌گذاران است. در نهایت، می‌تواند فروپاشی سیستم بانکداری را با هجوم بانکی برای اخذ سپرده‌های تودیع شده تسهیل نماید.

بانک اسلامی ذخیره ۱۰۰ درصدی پول را برای بانک راه حل نمی‌داند، بلکه سعی می‌کند تا حلقه ارتباطی میان پس‌اندازکنندگان جز را با طیف سرمایه‌گذاران (به عنوان وام‌گیرنده) از طریق نقش واسطه‌ای بانک برقرار سازد.

ایجاد این ارتباط میان پس‌اندازکننده و سپرده‌گذار با سرمایه‌گذار، نرخ بهره پولی را در نظام بانکی حذف می‌کند. بدین دلیل که عامل کار و عامل سرمایه با هم از طریق بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار (و نه مالک سپرده تودیع شده نزد بانک) به یکدیگر متصل می‌شوند.

بانک با حذف بهره پولی، کارکردی همسو با بخش حقیقی اقتصاد دارد و می‌تواند در مسیر رفع نوسانات تجاری حرکت نماید. افزایش در قیمت‌ها، سرمایه‌ها را به سمت تأمین‌مالی فعالیت‌های سودآوری - که قیمت‌ها علایم آن هستند - سوق می‌دهد و ترکیب نقش‌های دو گانه سپرده بلندمدت و ثابت و کار سرمایه‌پذیر در کنار نقش واسطه‌ای بانک با ایجاد کارکردی واحد - بدون شکل‌دهی بهره پولی —می‌توانند مسیر فعالیت بانکی را در جهت رفع نوسانات و ادوار تجاری قرار دهند.

در دیدگاه شهید صدر، خوشنامی بانک در این است که خطر نیرنگ یا عدم توان سرمایه‌پذیران را که به اتلاف سرمایه منجر می‌شود پیش‌بینی کند، زیرا اصل سپرده، سپرده‌گذار را تضمین کرده است. لذا باید با توزیع سرمایه در بخش‌های مختلف خطر ریسک ضرر ناشی از سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

اینکه چگونه می‌توان بانک را در مواجهه با بحران احتمالی حفظ نمود در الگوی بانک‌اسلامی چیزی دیده نمی‌شود، لیکن یک نکته اساسی در طرح بانک اسلامی وجود دارد مبنی بر اینکه بانک زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران اقتصادی نخواهد بود، چرا که ارتباط غیرمستقیم سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان از طریق

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

بانک بر قرار می‌شود. ورود عامل کار و فعالیت حقیقی در فعالیت مالی بانک، معرفی سود بجای بهره و حذف بهره پولی در کنار حرکت در مسیر تأمین مالی اقتصاد همسو با نوسانات اقتصادی شرایطی است که بانک را به عنوان متهم ایجاد بحران مبرا می کند.

پرسش مهمی که در این حوزه وجود دارد این است که آیا بانک در بستر الگوی اسلامی بانکداری می‌تواند برای انجام سرمایه‌گذاری مبنی بر شریعت اسلامی خلق اعتبار نماید؟ آیا این امکان فراهم است تا بانک اسلامی، دارایی خود را از طریق سود حاصل از خلق اعتبار بانکی در مسیر مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های سودآور حلال افزایش دهد؟

شکی نیست که بانک اسلامی در دیدگاه شهید صدر به جمع‌آوری پول‌های راکد و استفاده از آن در عرصه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های حقیقی مبادرت می‌ورزد، لذا آیا بانک‌اسلامی می‌تواند اعتبار بوجود آورد و بیش از مبالغی که به عنوان سپرده نزد خود دارد بستانکاری داشته باشد؟

شرط قبض وام و شرط اینکه دین ایجاد شده برای فرد و بانک هر دو یکسان نباشد به گونه‌ای که قرض بلندمدت بوده و حساب جاری عندالمطالبه باشد به طوری که بانک نتواند بر مبنای "اعتبار از هیچ" که بانک با کمک قرض‌گیرنده ایجاد نموده است اقدام به فعالیت بانکی نماید. بر این مبنا بانک امکان خلق اعتبار را ندارد چه از ناحیه عملیات قرض‌دهی و چه از طریق عملیات سرمایه‌گذاری. بانک نمی‌تواند نه از طریق تجمیع سپرده‌های ثابت در فرایند تأمین‌مالی سرمایه‌گذاری که به کسب سود از فعالیت حلال منجر می‌گردد و نه از طریق فعالیت قرض‌دهی نمی‌تواند خلق اعتبار نماید. در این الگو مشاهده می‌شود که هدف اصلی شهید صدر رسیدن به یک الگوی بانکداری بدون رباست اما نتایج حاصل بیشتر از خود الگو اهمیت دارد.

حذف خودکار بهره پولی از نظام بانکی ساختار اقتصادی را بر پایه تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بجای تعادل بهره طبیعی و بهره پولی قرار می‌دهد. حذف پس‌انداز اجباری، جهت‌گیری تأمین‌مالی متناسب با نیازهای اقتصادی جامعه و حداقل شدن ایجاد نوسانات تجاری در کنار عدم نیاز و یا دخالت حداقلی دولت برای جلوگیری از خلق اعتبار که در اندیشه منتقدین غربی تأکید می‌شود. نتایجی است که در این الگو نهفته است.

در این الگو دولت و نظام پولی برای برون‌رفت از فروپاشی سیستم حداقل دخالت را دارند (و یا اصولاً دخالتی ندارند) نظام بانکی به شکلی آزاد می‌تواند فعالیت داشته باشد. تأمین مالی سرمایه در تمام سطوح انجام می‌شود بدون اینکه اعتباری خلق شده باشد.

رشد فزاینده قیمت‌ها به جای افزایش خود افزای ناشی از مکانیزم اعتبارایجاد نشده است در عین اینکه نیازی به تأمین منابع سپرده بانکی از طریق پس‌انداز اجباری نیز نیست. ذخیره ۱۰۰ درصدی پول که

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

تحت لوای سیستم قدرتمند پولی دولت صورت می‌گیرد نیز ضرورتی نخواهد داشت بلکه در اینجا اصل بر سه چیز است. نخست اینکه بانک مالک سپرده نیست، بنابراین رابطه طیف پس‌اندازکننده با سرمایه‌گذار حفظ می‌شود. دوم، خلق پول در شرایط خاص ایجاد می‌شود وشرط اصلی آن قبض پول است. سوم اینکه؛ ربا به عنوان بهره پولی از سیستم حذف شده است و اقتصاد در دام نوسانات تجاری از ناحیه بانک نیافتاده است.

۵. نتیجه‌گیری

مکتب اقتصادی اسلام به عنوان ارائه‌دهنده یک الگوی فکری درمیان اندیشه‌های اقتصادی رقیب دارای جایگاه علمی و چارچوب نظری منحصر به فردی است که آن را از سایر مکاتب اقتصادی متمایز می‌سازد.

در این مسیر عامل مهمی که اندیشه اقتصادی اسلام را از سایر نحله‌های اقتصادی متمایز می‌سازد راهکارهای بدیل و جانشینی است که در عین تحریم یک موضوع ارائه می‌کند. در این میان تحریم ربا در اندیشه اسلامی دارای بدیل و جانشین مشخصی است. نظام قرض‌الحسنه و نظام عقود مشارکتی امروزه در بستر پیشرفت علم اقتصاد به قدری مورد توجه قرارگرفته‌اند که به زعم اندیشه‌های رقیب از قدرت استدلال و بنیان علمی محکمی در دفاع از نگرش تحریمی ربای قرضی برخوردارند.

از ویژگی‌های این ساختار می‌توان به کمترین وابستگی به دخالت دولت و حکومت در کنترل سیاست اعتباری اشاره نمود. این مهم با تأکیدی که نظام اقتصادی اسلام بر قرض‌های غیرمتمرکز که توسط احاد جامعه و در بطن اجتماع شکل می‌گیرد و نهادسازی می‌شود استوار شده است.

اینکه در فضایی که اقتصاد متعارف غرب به اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی برای تغییر نرخ‌های بهره هدایت نقدینگی و کاهش تورم می‌پردازد تا نوسانات تجاری ،بحران‌ها و رکودهای مداوم پولی را در بستر پایه‌های لرزان اقتصاد سرمایه‌داری را به حداقل برساند.

نظام اقتصادی اسلام با ارائه الگوی قرض‌دهی منحصر به فرد خود به شیوه‌ای را ارائه می‌کند که در آن نه تنها اقتصاد بدون دخالت قدرت مشروع دولت می‌تواند نیازهای عمدتاً پولی (و یا قرض کالایی) را مدیریت نماید، بلکه این سازوکار در متن نظام سرمایه‌داری غرب نیز در کنار ساختار پیشنهادی آن قابلیت اجرا دارد.

ایجاد روحیه معنوی ایثار در ارائه وجوه قرض‌الحسنه و روحیه کار و تلاش در باز پس‌دهی وجوه و یا کالای قرض‌گرفته شده مسیر دنیایی خست رباخواری را به جنبه روحانی قرض‌دهی به پروردگار یکتا تغییر می‌دهد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

این ویژگی در اندیشه اسلامی مشارکت در سود و زیان نیز مشاهده می‌شود. تقسیم و تسهیم سود و مشارکت در زیان آرامش و متانت را در فعالیت کاری طنین‌انداز کرده فقر و تهی دستی را با سرکوب عامل ربا حذف می‌کند. منابع در جهت منافع جامعه و در مسیر نوسانات قیمتی مبتنی بر تجارت حرکت می‌کند و کاهش قیمت‌ها در اثر خذف ریسک بازپرداخت وجه، اصابت به واقع وجوه مشارکتی مبتنی بر پذیرش بیع و قیمت‌های مترتب بر آن برقرار می‌شود.

منابع

حبیبیان‌نقیبی، مجید (۱۳۴۲)، *قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی*، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران: ۱۳۸۲.

شهیدصدر، محمدباقر، (۱۳۶۸)، *بانک اسلامی*، ترجمه خنجی، ح، ا، قم، انتشارات الفتح، ۱۳۶۰.

عباس حاجی ، جعفر؛المذهب القتصادی فی السلام.

Allais,Maurice (1947), *Economie et Intérêt*, Paris ,Librarie Des Publication Officielles.

Allais,Maurice (1987), *The Credit Mechanism and its Implications,* In Arrow and The Foundation of The Theory of Economic Policy, G.R. Feiwel (Ed.) London: Macmillan.

Friedman, M. (1969),*TheOptimum QuantityofMoneyandOtherEssays,* Chicago, Aldine.

Fisher, Irving (1934c), "The 100% System and Bank Credit", *American Banker.*

Ronnie J .Phillips (1994), *The Chicago Plan and New Deal Banking Reform*,New York, M.E. Sharping.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]